

بازاندیشی در جرم کلاهبرداری به عنوان جرم مرکب

محبوبه امینی*

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم)

حامد رهدارپور

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم)

فرشاد چنگایی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۱۰ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۷/۱)

چکیده:

جرم مرکب را جرمی دانسته‌اند که عنصر مادی آن از افعال متنوعی تشکیل شده است، بنابراین جرم مذکور باید دارای بیش از یک رفتار فیزیکی باشد، زیرا تنها جزء عنصر مادی که به صورت فعل بروز می‌کند رفتار فیزیکی است، در حالی که در کلاهبرداری رفتار فیزیکی فقط از توسل به وسایل متقلبانه تشکیل شده که فعل متنوع نیست (هرچند متعدد باشد)، و بردن مال دیگری فقط نتیجه جرم است نه رفتار فیزیکی. بنابراین، نباید وقوع نتیجه را شرط بودن کلاهبرداری منظور کرد. از سویی دیگر، کلاهبرداری را نمی‌توان جرم ساده نامید، زیرا در این صورت همانطور که خواهیم گفت، جرم مذکور، جرم ساده مقید تلقی می‌شود که در این جرایم عنوان مجرمانه فقط به نتیجه تعلق می‌گیرد. حال آنکه عنوان مجرمانه در کلاهبرداری علاوه بر نتیجه به رفتار فیزیکی هم تعلق گرفته است. سرانجام این پژوهش براین است که؛ نتیجه در جرم کلاهبرداری برخلاف جرایم ساده، حالت یا وضعیتی عارض بر رفتار فیزیکی نیست، بلکه خود به صورت فعلی مستقل از رفتار فیزیکی ارتکاب یافته و ماهیتی خاص دارد که با توجه به تفکیک و تعریفی که از جرایم ساده و مرکب ارائه خواهیم داد و آنها را به جرایم ساده مطلق، ساده مقید، مرکب مطلق و مرکب مقید تقسیم می‌نماییم، کلاهبرداری جزء جرایم مرکب مقید قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: جرم مرکب، کلاهبرداری، فعل متنوع، توسل به وسایل متقلبانه، بردن مالی دیگری.

۱. مقدمه:

تقسیم جرایم بر اساس عنصر مادی، یکی از گونه‌های رایج طبقه‌بندی جرایم است. ترکیب عنصر مادی جرم از یک یا چند نوع از رفتار فیزیکی، گونه‌ای از تقسیم‌بندی‌ها را بوجود آورده که تفکیک جرم ساده از جرم مرکب زاییده آن است. اغلب جرایمی که می‌شناسیم از نوع جرایم ساده است و برای جرایم مرکب باید به دنبال مصادیق گشت، اما نمی‌توان مصادیق چندانی برای جرم مرکب پیدا کرد. تقریباً در تمامی کتاب‌های حقوق جزای عمومی تنها مصادیقی که برای این مفهوم آورده می‌شود جرم کلاهبرداری است (لوترمی؛ کلب، ۱۳۸۷: ۵۸؛ نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳) و فقط در موارد معدودی می‌توان مثالی غیر از کلاهبرداری را برای جرم مرکب پیدا نمود (ر.ک. محسنی، ۱۳۸۲: ۳۵۶). با این حال به نظر می‌رسد در شناسایی کلاهبرداری به‌عنوان جرم مرکب ابهاماتی وجود دارد، زیرا با توجه به تعاریف ارائه شده، جرم مرکب جرمی است که رکن مادی آن متشکل از چند رفتار است (زراعت، ۱۳۸۶: ۱۶۷). به بیان بهتر؛ جرمی است که عنصر مادی آن از افعال متنوع تشکیل شده است و این بدین معناست که از میان اجزای رکن مادی، رفتار فیزیکی است که باید مرکب از افعال متنوع باشد و عنوان مجرمانه به تمامی آنها تعلق گیرد. چون تنها جزء رکن مادی که جنبه فعلی دارد رفتار فیزیکی است. چنانچه برخی از حقوقدانان نیز به صراحت تقسیم جرایم به ساده و مرکب را، مبتنی بر رفتار فیزیکی و شمار آن دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

بنابراین سوال اینجاست که چگونه ممکن است جرم کلاهبرداری که رفتار فیزیکی آن فقط متشکل از یک فعل می‌باشد و آن توسط به وسایل متقلبانه است (هر چند متعدد باشد ولی متنوع نیست) و بردن مال دیگری نتیجه جرم است نه رفتار فیزیکی، جرم مرکب باشد؟ از طرفی اگر کلاهبرداری را جرم مرکب بدانیم چه معیاری برای تفکیک جرایم ساده از مرکب می‌توان ارائه داد تا علاوه بر تطبیق بر تمام مصادیق، جایگاه جرم کلاهبرداری را نیز مشخص نماید؟ مقاله حاضر در راستای پاسخگویی به سوالات فوق مشتمل بر دو بخش کلی می‌باشد: در بخش نخست مفهوم جرم مرکب و برخی مصادیق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس در بخش دوم جرم کلاهبرداری بر مفهوم پیش گفته تطبیق داده می‌شود.

۲. مفهوم جرم مرکب و بررسی چند مصداق:

جرم مرکب یکی از مفاهیمی است که در حقوق جزای عمومی و در بررسی عنصر مادی جرم با آن برخورد می‌کنیم. هنگام ورود به بحث عنصر مادی جرم، یکی از موضوعات قابل بررسی، تفکیک جرایم بر اساس عنصر مادی است که سبب چندین تقسیم‌بندی می‌شود که یکی از آنها تقسیم جرایم به ساده و مرکب است که بر این طبقه‌بندی فوایدی مترتب می‌گردد. بر این اساس مطالب

این مبحث در چهار عنوان تلخیص می‌شود؛ تعریف جرم مرکب از نظر حقوقدانان، فواید تفکیک جرم مرکب از جرم ساده، معیار تفکیک جرم مرکب از جرم ساده و بررسی برخی مصادیق جرم مرکب.

۱.۲. تعریف جرم مرکب از نظر حقوقدانان:

از آنجا که جرم مرکب مفهومی حقوقی است که در قوانین به آن اشاره نشده، لذا برای شناخت آن ذیلاً به چند تعریف ارائه شده از جرم مرکب توسط برخی از شارحین حقوق کیفری اشاره می‌کنیم. - جرم مرکب به اعمالی گفته می‌شود که به تنهایی قابل مجازات نیست ولی مجموعاً جرمی را بوجود می‌آورد. از این جهت به نظر می‌رسد جرم مرکب به جرم اعتیادی شبیه باشد. لکن اعمالی که در جرم اعتیادی صورت می‌گیرد یکسان و یکنواخت است، در حالیکه اعمالی که مجموعاً جرم مرکب را بوجود می‌آورند ماهیتاً با یکدیگر متفاوت هستند (صانعی، ۱۳۷۲: ۳۸۴).

- جرم مرکب جرمی است که نیاز به اجرای اعمال مادی گوناگون و گاه پیچیده دارد تا تحقق پیدا کند، گاه حتی امکان وقوع چند جرم برای یک عمل مجرمانه متصور است (نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳).
- جرمی را مرکب گویند که عنصر مادی آن از افعال متنوع و به قصد تحقق نتیجه واحد ترکیب یافته باشد (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۴).

- بزه مرکب با وقوع چندین عنصر مادی متعدد ولی با هدف واحد محقق می‌شود (لوترمی؛ کلب، ۱۳۸۷: ۵۸).

همانگونه که از نظرات اخیر و عبارات سایر نویسندگان حقوقی برمی‌آید، در خصوص تعریف جرم مرکب چندان اختلافی دیده نمی‌شود و با اندک تفاوت در لفظ، اتفاق بر این است که در این نوع جرم می‌بایست عنصر مادی متشکل از بیش از یک فعل باشد، که البته اعمال متعدد بایستی متنوع هم باشند والا جرم تحقق یافته، اعتیادی یا به عادت است. نهایتاً اینکه جرم مرکب حتماً باید متضمن چند فعل باشد.

۲.۲. فواید تفکیک جرم مرکب از جرم ساده:

تمییز جرایم مرکب از جرایم ساده چند نتیجه عملی دارد؛ نتیجه نخست از نظر شروع مرور زمان است. بدیهی است که مرور زمان جرم مرکب از زمانی آغاز می‌شود که آخرین عمل تشکیل دهنده جرم صورت گرفته باشد. برای نمونه چنانچه در جرم کلاهبرداری، مرتکب طی مدت نسبتاً طولانی به وسایل تقلبی متوسل شود و اموالی را از دیگران به دست آورد و آنگاه این اموال را «بخورد»، مرور زمان از زمان عمل آخر که باعث تحقق جرم شده آغاز می‌گردد. ثانیاً از نظر صلاحیت

دادگاهها؛ چون قبل از وقوع آخرین عمل ضروری برای تحقق جرم، هنوز جرمی واقع نشده است، دادگاهی صلاحیت رسیدگی دارد که آخرین عمل تشکیل دهنده جرم در حوزه و قلمرو آن واقع شده باشد. چنانچه عمل مکمل جرم یعنی «خوردن» مال دیگری در مکانهای متعدد مصداق پیدا کرده باشد، رویه قضایی تمام دادگاههایی را که جرم در حوزه آنها واقع شده برای رسیدگی صالح می‌شناسد (صانعی ۱۳۷۲: ۳۸۵).

علاوه بر این دو مورد، می‌توان تأثیر قانون جدید را هم از جمله آثار عملی دانست. در جرایم مرکب، اگر جزء آخر فعل مادی در زمان حکومت قانون جدید تحقق یابد، جرم مذکور تابع قانون لاحق خواهد بود. بسا ممکن است بعضی افعال مادی جرم مرکب شروع به اجرای آن جرم تلقی و تابع قانون زمان وقوع جرم گردد (اردبیلی ۱۳۸۴: ۲۱۵).

۳.۲. معیار تفکیک جرم مرکب از جرم ساده:

آنچه ما را به هدف این مقاله نزدیک می‌کند رسیدن به معیاری است که بر اساس آن بتوان جرم ساده را از جرم مرکب تفکیک نمود، و نهایتاً مشخص نمود جرم کلاهداری ساده است یا مرکب. از میان تقسیم‌بندی‌هایی که بر اساس عنصر مادی صورت گرفته است، تقسیم جرایم به اعتبار تعداد رفتار مادی است که بر این اساس، جرم را وقتی از یک فعل واحد تشکیل شده باشد جرم ساده می‌گویند (عوده، بی‌تا: ۹۰) و چنانچه از افعال مادی متعدد بوجود آمده باشد، بر حسب اینکه این افعال متنوع یا مشابه باشد، به ترتیب جرم مرکب و به عادت می‌نامند (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). بنابراین ممیز جرم ساده از مرکب میزان افعالی است که سازنده جرم مرکب است. این افعال باید متنوع باشند، زیرا در صورتی که تکرار اعمال مشابه برای تحقق جرم ضرورت داشته باشد، جرم واقع شده، جرم به عادت محسوب می‌شود (لوترمی؛ کلب، ۱۳۸۷: ۵۸). در جرم مرکب که چند فعل (لااقل دو فعل) یک جرم را تشکیل می‌دهند، عنوان مجرمانه به تمامی این افعال تعلق می‌گیرد؛ یعنی بدون وقوع یکی از این افعال لازم، آن جرم محقق نمی‌گردد و وجود و اثبات تمامی این افعال که مقنن در عنصر قانونی جرم لحاظ نموده، در اثبات جرم لازم است. که در این موضوع تفاوت ظریفی است میان افعال اولیه جرم مرکب و مقدمات جرم ساده؛ به این معنی که در جرم ساده وصف مجرمانه فقط به نتیجه جرم (در جرایم مقید) یا فعل اصلی (در جرایم مطلق) تعلق می‌گیرد و تمامی افعال پیش از آن با اینکه مقدمات تحقق جرم هستند ولی در رکن قانونی نیامده، عنوان مجرمانه به آنها تعلق نمی‌گیرد. ولی تمامی افعال لازم در جرم مرکب از اجزای تشکیل دهنده جرم بوده، همگی جزء عنصر مادی جرم هستند و بر این اساس وصف مجرمانه به همه آنها تعلق گرفته و بایستی وجود همه آنها اثبات شود.

در ادامه این بند متذکر می‌شویم که هر کدام از جرایم ساده و مرکب ممکن است مطلق یا مقید باشند، که این تفکیک در بحث کلاهبرداری مفید فایده است، زیرا کلاهبرداری جرم مرکب مقید است. در جرم ساده مطلق وصف مجرمانه به یک رفتار خاص تعلق می‌گیرد که از ناحیه مرتکب صورت گرفته و به نتیجه احتمالی ناشی از آن توجهی نمی‌شود مانند جرم توهین یا استنکاف از احقاق حق، حمل سلاح غیر مجاز، قذف و شهادت کذب (ر.ک. اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۶؛ قیاسی، ساریخانی، خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۱۵۳) و در جرم ساده مقید وصف مجرمانه فقط به نتیجه حاصله مورد نظر قانون گزار تعلق گرفته که ممکن است با هر فعل یا ترک فعلی صورت گیرد، مانند جرم قتل. به عبارتی در این گونه از جرایم تحقق رفتاری خاص، جزئی از عناصر تشکیل دهنده جرم نیست و تا زمانی که نتیجه مورد نظر قانون‌گذار در عالم خارج محقق نشود، در واقع جرم تحقق نمی‌یابد (ر.ک. اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۶). در این گونه از جرایم رفتار فیزیکی خاص شرط تحقق جرم شناخته نشده بلکه صرفاً به تحقق نتیجه‌ای مشخص توجه شده و در این موارد تنها زمانی می‌توان رفتار فیزیکی را مستقل از نتیجه مجازات نمود که قانون‌گذار شروع به جرم آن را جرم شناخته باشد (ر.ک. محسنی، ۱۳۸۲: ۳۸۵). بنابراین در جرم ساده مقید، وصف مجرمانه صرفاً به نتیجه تعلق گرفته نه به فعل یا ترک فعلی که نتیجه مذکور از آن ناشی می‌گردد و شاهد این مدعی نیز جرم نبودن رفتار فیزیکی این جرایم است مگر در قالب شروع به جرم. جرم مرکب مطلق نیز جرمی است که عنوان مجرمانه به مجموعه رفتار (افعال) مورد نظر قانون‌گذار تعلق می‌گیرد که وجود چند فعل برای تحقق آن جرم لازم و کافی است و نیاز به ترتب نتیجه خاصی نیست مانند بخش اول از ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی. و نهایتاً جرم مرکب مقید جرمی است که عنوان مجرمانه به رفتار و نتیجه با هم تعلق می‌گیرد، مانند کلاهبرداری که در مبحث بعد تشریح می‌گردد.

۴.۲. برخی مصادیق جرم مرکب:

جرم مرکب از جمله مفاهیمی است که در حقوق جزای عمومی کمتر مورد بحث قرار گرفته و معمولاً مصادیقی غیر از کلاهبرداری برای آن ارائه نشده است که این امر خود مستلزم تشریح جرم مرکب و بسط بیشتر این مفهوم است. با وجود اجمالی که در تعریف جرم مرکب دیده می‌شود، در این مقاله سعی نموده‌ایم با پذیرش همین تعاریف مورد اتفاق، مصادیقی دیگر برای جرم مرکب پیدا کنیم تا ارکان و شرایط جرم مرکب بیشتر مشخص شده و کلاهبرداری را بهتر بر این مفهوم تطبیق دهیم.

نخست) ماده ۵۰۵ ق م ا: این ماده خود مشتمل بر دو جرم است که هر کدام ناشی از یک شق ماده است. با این حال همان شق اول ماده است که به نظر ما متضمن جرمی مرکب است. آنجا که

قانونگذار مقرر میدارد: «هر کس با هدف بر هم زدن امنیت کشور، با هر وسیله، اطلاعات طبقه‌بندی شده را با پوشش مسئولان نظام یا مأموران دولت یا به هر نحو دیگر جمع‌آوری کند، چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال ... محکوم می‌شود». همانطور که از ماده بر می‌آید این جرم با ارتکاب دو فعل انجام می‌شود، ابتدا بایستی اطلاعات طبقه‌بندی شده جمع‌آوری گردد و سپس آن اطلاعات در اختیار دیگران قرار داده شود. در صورتی که یکی از این افعال انجام نگردد جرم مذکور در این ماده تحقق نیافته است؛ یعنی اگر شخصی بطور تصادفی به اطلاعات طبقه‌بندی شده دست یابد و سپس آن را در اختیار دیگران قرار دهد مشمول این ماده نخواهد شد، برعکس اگر همین شخص اطلاعات طبقه‌بندی شده را با همان شرایط مذکور در قانون بدست آورد ولی نزد خود نگه دارد باز هم مشمول این قسمت ماده نخواهد بود. بنابراین جرم مذکور به هر دوی این افعال تعلق گرفته و جرمی مرکب است.

دوم) تبصره ماده ۵۱۰ ق م ا: «هرکس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود». مستفاد از این تبصره رفتار مجرمانه مرکب از چند قسمت است که عبارتند از: شناسایی، جذب و معرفی (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۴۸۰). می‌توان با اغماض میان شناسایی و جذب جمع کرد ولی مسلماً معرفی فعل جداگانه‌ای است. بنا به تصریح ماده، باید شخص مورد نظر اول شناسایی و جذب و سپس معرفی شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۸). پس به‌خوبی می‌توان قاعده مذکور در تعریف جرم مرکب را بر این قسمت از ماده تطبیق داد.

سوم) ماده ۱۹ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان: «هر گونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است». ابتدا باید دانست از آنجا که ماده ۲۵ همین قانون ضمانت اجرای کیفری برای ممنوعیت ملحوظ در ماده فوق است، در جرم انگاری افعال مرقوم در ماده ۱۹ نمی‌توان تردید نمود. حال با دقت در جرم مذکور در ماده مشخص می‌شود که قانون‌گذار در این ماده جرمی مرکب را پیش بینی کرده است. زیرا آنچه که متعلق این جرم است تغییر یا تحریف اثر و سپس نشر بدون اجازه آن است و هیچ کدام به تنهایی منظور ماده نبوده‌اند. بنابراین اگر اثری تحریف شود ولی منتشر نگردد و یا اثری که تحریف یا تغییری در آن داده نشده، بدون اجازه پدیدآورنده منتشر گردد، عمل ارتكابی مشمول ماده نخواهد بود زیرا عنصر مادی این جرم متشکل از هر دو فعل است.

۳. تطبیق جرم کلاهبرداری بر جرم مرکب

بارزترین مصداق جرم مرکب، کلاهبرداری است که به دلیل اهمیتش، در این مقاله به‌صورت علیحده در یک مبحث قرار گرفته است. با اینکه کلاهبرداری چنین مصداق مسلمی دانسته شده است، اما به نظر می‌رسد تطبیق آن بر جرم مرکب با اشکال مواجه است، زیرا عنصر مادی کلاهبرداری دارای شرایطی است که ظاهراً با مفهومی که از عنصر مادی جرایم مرکب می‌شناسیم تفاوت دارد. بنابراین، در این مبحث ابتدا عنصر مادی جرم کلاهبرداری را بررسی می‌کنیم و سپس آن را بر هر کدام از جرایم مرکب و ساده تطبیق می‌دهیم تا مشخص شود ماهیت این جرم به کدام یک نزدیکتر است.

۱.۳. بررسی عنصر مادی جرم کلاهبرداری:

از آنجا که در تشخیص مرکب بودن یک جرم باید به عنصر مادی آن رجوع کرد، در مورد کلاهبرداری نیز به بررسی عنصر مادی اکتفا نموده و آن را تشریح می‌کنیم. تشخیص عنصر مادی هر جرم مستلزم دانستن تعریف آن جرم است، با اینکه برخی ارائه تعریفی دقیق و واحد را از جرم کلاهبرداری مشکل می‌دانند (Doig, 2006, p.19). ولی می‌توان برای این منظور در حقوق ایران به ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری که در حال حاضر عنصر قانونی جرم کلاهبرداری را در حقوق ایران تشکیل می‌دهد رجوع نمود؛ «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث یا پیش‌آمدهای غیرواقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر، وجوه یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آن را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود...». بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون تعریفی از جرم کلاهبرداری ارائه نکرده است و فقط برخی از مصادیق این جرم را ذکر نموده است. با توجه به همین مصادیق می‌توان تعاریف زیر را از جرم کلاهبرداری ارائه داد: «کلاهبرداری عبارت است از بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه» (میرمحمدصادقی، همان: ۵۲-۵۱). تمام تعاریف ارائه شده از کلاهبرداری توسط حقوق‌دانان، همگی در این مضمون اتفاق دارند که کلاهبرداری بردن متقلبانه مال غیر است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۸) که با تعریفی که برخی حقوق‌دانان خارجی ارائه داده‌اند مطابقت دارد (Findlay, 2001, p.339; Gardner & Anderson, 2006, p.348).

با توجه به تعاریف فوق، می‌توان عنصر مادی کلاهبرداری را مانند هر جرم دیگر در سه جزء خلاصه کرد: ۱- رفتار فیزیکی ۲- شرایط و احوالی که وجود یا عدم آنها از نظر قانون شرط تحقق جرم می‌باشد ۳- نتیجه حاصله از رفتار متهم (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۲). در جرم کلاهبرداری رفتار فیزیکی همانند اغلب جرایم به شکل فعل می‌باشد و آن فعل هم توسل به وسایل متقلبانه است. شرایط و اوضاع و احوال بنا به هر جرم متفاوت است، که در کلاهبرداری متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار، اغفال شدن و فریب خوردن قربانی، و تعلق مال برده شده به دیگری، شرایط و اوضاع و احوال خاص این جرم است. و اما نتیجه‌ای که بنا به تصریح قانون، حصول آن برای تحقق کلاهبرداری لازم است عبارت از بردن مال دیگری است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۸۲و۸۵).

۲.۳. کلاهبرداری به‌عنوان جرم مرکب و بروز ابهام:

همانگونه که گفته‌اند کلاهبرداری از حیث عنصر مادی در زمره جرایم مرکب است (استفانی و لواسور، ۱۳۷۷: ۳۱۸). پس عنصر مادی آن مشتمل بر ارتکاب عملیات مختلفی است که بر روی هم عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند (ولیدی، ۱۳۸۴: ۶۲). در این خصوص میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، برخی عنصر مادی را شامل دو جزء دانسته‌اند که یکی توسل به وسایل تقلبی و دیگری تصاحب و بردن مال غیر است (سپهوند، بی‌تا: ۷۱)، گروهی دیگر آن را سه جزء می‌دانند: نخست توسل مرتکب به داشتن سمت یا عنوان یا اختیارات موهوم، به‌علاوه به‌کار بردن اقدامات یا مانورهای متقلبانه برای فریب دادن طرف و در نهایت تحصیل وجه یا مال مغرور توسط کلاهبردار (ولیدی، ۱۳۸۴: ۶۲). در کامن لاین نیز با اینکه جرم کلاهبرداری به جرم سرقت بسیار نزدیک بوده و در یک قانون ذکر شده‌اند ولی با سرقت تفاوت داشته (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴: ۲۹) و دارای عنصر مادی خاص خود است که برخی، عنصر مادی این جرم را دارای چهار جزء (Eiott&Quinn,2006,p.230) و برخی دیگر تا شش جزء برشمرده‌اند (Herring,2002,p.295). در این که نهایتاً عنصر مادی کلاهبرداری از چند قسمت تشکیل شده که بر آن اساس بتوانیم جرم را مرکب بدانیم، باید بار دیگر به شرطی که پیش از این برای مرکب بودن جرم برشمردیم، برگردیم و آن این است که جرم مرکب جرمی است که عنصر مادی آن از چند «فعل متنوع» تشکیل شده باشد؛ یعنی آنچه که در عنصر مادی جرم کلاهبرداری برای مرکب دانستن آن برای ما مهم است، ارتکاب افعال متعدد و متنوع است. بنابراین در کلاهبرداری ابتدا با دو فعل برخورد می‌کنیم؛ اول توسل به وسایل متقلبانه و دوم بردن مال غیر است که بیشتر حقوقدانان هم دلیل مرکب بودن جرم کلاهبرداری را همین دو جزء دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۸۴: ۲۱۴) و سایر

اجزای این جرم در مرکب بودن آن اهمیتی ندارد؛ به سخن دیگر، منظور از مرکب بودن جرم این است که رفتار فیزیکی شامل چند جزء باشد زیرا از میان اجزای رکن مادی فقط رفتار فیزیکی است که جنبه فعلی یا فیزیکی یا مادی دارد. بنابراین می‌توان به نتیجه جالبی رسید و آن اینکه، چون ارتکاب افعال متنوع است که جرم کلاهبرداری را مرکب می‌کند و ارتکاب فعل فقط در بحث رفتار فیزیکی در عنصر مادی جرم مطرح می‌شود پس فقط باید رفتار فیزیکی دارای اجزای مختلف و متعدد باشد و منظور حقوقدانان از عنصر مادی همان رفتار فیزیکی بوده است. حال با توجه به اینکه رفتار فیزیکی در کلاهبرداری فقط به‌صورت استفاده از وسایل تقلبی است و اگر بیشتر از یک وسیله هم باشد باز هم متنوع محسوب نمی‌شود- چون از یک جنس هستند- (شرط مرکب بودن ارتکاب افعال متنوع یا مختلف است)، بنابراین جرم کلاهبرداری ساده است. زیرا بردن مال دیگری همانگونه که بر روی آن اتفاق نظراست، نتیجه جرم است نه جزء عمل مرتکب (آزمایش، بی‌تا: ۹۵). یعنی عنصر مادی کلاهبرداری فقط توسط به وسایل تقلبی است و بردن مال نتیجه جرم است (Findlay, 2001, p.339). پس یا باید کلاهبرداری جرمی ساده باشد یا اینکه تمام جرایم مقید را مرکب بدانیم!

۳.۳. کلاهبرداری به‌عنوان جرم ساده و باز هم ابهام!:

سرانجام استدلال بند پیش این بود که کلاهبرداری جرمی ساده است و اگر آن را ساده نمی‌دانستیم ظاهراً تالی فاسد داشت. اگر کلاهبرداری جرمی ساده باشد بایستی حائز شرایط و خصوصیات جرایم ساده باشد. در غیر این صورت باید در ساده بودن آن تردید نمود. همانگونه که در تعریف جرم ساده مذکور افتاد، جرم ساده جرمی است که با یک عمل یا ترک عمل ساده انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر دارای یک عنصر مادی مشخص هستند (نوربها، ۱۳۸۵: ۲۳۳) یا به تعبیر ما مستنبط از نظر حقوقدانان، جرمی است که وصف مجرمانه صرفاً به یک نوع فعل تعلق می‌گیرد. همانگونه که گفته شد، هر کدام از جرایم ساده و مرکب را می‌توان به مطلق و مقید تقسیم نمود. همانگونه که بیان گردید در جرایم ساده مطلق، عنوان مجرمانه به یک رفتار خاص تعلق می‌گیرد که از ناحیه مرتکب صورت گرفته و به نتیجه احتمالی ناشی از آن توجهی نمی‌شود و در جرایم ساده مقید، عنوان مجرمانه فقط به نتیجه حاصله مورد نظر مقنن تعلق می‌گیرد که ممکن است از هر طریقی و با هر فعلی حاصل شود و در این موارد علاوه بر اینکه به رفتار فیزیکی خاص توجه نشده، تا زمانی هم که نتیجه مورد نظر حاصل نشده باشد جرم به صورت کامل روی نخواهد داد (قیاسی، ساریخانی، خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۱۵۳). لازم به ذکر است که گرچه در این‌گونه از جرایم با جمیع شرایط می‌توان در صورت عدم تحقق نتیجه، مقدار عملی که صورت گرفته را در

قالب شروع به جرم مجازات نمود ولی از آن جهت که در این جرایم رفتار فیزیکی خاصی شرط تحقق جرم شناخته نشده است، وصف مجرمانه صرفاً به نتیجه تعلق می‌گیرد نه هم به نتیجه و هم رفتار فیزیکی خاص. حال اگر ما کلاهبرداری را جرم ساده بدانیم بدیهی است که از دسته جرایم ساده مقید است، زیرا "بردن مال دیگری" نتیجه بدون چون و چرای این جرم دانسته شده است. پس می‌بایست دارای همان شرایط جرایم ساده مقید باشد و از مهمترین این شرایط، آن است که باید در جرم کلاهبرداری نیز همچون جرایم ساده مقید، وصف مجرمانه فقط به نتیجه حاصله مورد نظر مقنن، که در مانحن فیه، ربودن مال دیگری است تعلق گیرد و به افعال یا ترک افعال پیش از آن توجهی نشود؛ یعنی افعال و ترک افعال پیش از ربودن مال غیر نایستی متعلق حکم قانون‌گزار و عنوان مجرمانه قرار گیرد و بدون آنها هم جرم کامل باشد به همان صورت که در جرم قتل صرفاً به سلب حیات از انسان زنده توجه می‌شود و تفاوتی نمی‌کند که این نتیجه با چه فعلی صورت گرفته است، حال آنکه می‌دانیم ممیز جرم کلاهبرداری از بسیاری از جرایم این است که وسیله انجام جرم در آن شرط بوده و چگونگی ارتکاب فعل (رفتار فیزیکی) که همان توسل به وسایل متقلبانه است جزء عنصر مادی بوده و علاوه بر آن در ارتکاب جرم نقش اساسی و اصلی دارد؛ یعنی در ارتکاب جرم کلاهبرداری، وصف مجرمانه علاوه بر نتیجه جرم که بردن مال غیر است به فعل مرتکب که توسل به وسایل تقلبی است هم تعلق می‌گیرد و اینگونه نیست که تفاوتی نکند با چه فعلی نتیجه مورد نظر مقنن که بردن مال دیگری است حاصل می‌شود. بلکه اصلاً زمانی بردن مال دیگری عنوان کلاهبرداری بخود می‌گیرد که حتماً و صرفاً با توسل به وسایل تقلبی صورت گرفته باشد و این توسل هم مقدم بر بردن مال غیر باشد (Doig, 2006, p. 20). پس عنوان مجرمانه علاوه بر بردن مال دیگری (نتیجه جرم) به فعل مرتکب هم تعلق می‌گیرد که این موضوع با ماهیت جرایم ساده در تعارض است!

۴.۳. ماهیت خاص نتیجه در کلاهبرداری و تأثیر آن در ترکیب کلاهبرداری:

اکنون مجال آن است که تعیین نماییم بالاخره جرم کلاهبرداری در تقسیم‌بندی جرایم به اعتبار رفتار مادی، در زمره کدامیک از جرایم ساده یا مرکب قرار می‌گیرد. پیش از این، هنگامی که کلاهبرداری را مرکب دانستیم اشکالی بوجود آمد و زمانی که ساده انگاشتیم تعارضی حاصل شد؛ اکنون در مقام رفع اشکال و حل تعارض بر خواهیم آمد تا یکی از مفاهیم فوق را بپذیریم. با دقت در جرم کلاهبرداری و خصوصاً نتیجه این جرم یعنی بردن مال دیگری می‌توان تفاوتی ماهوی میان نتیجه این جرم با نتیجه در سایر جرایم دریافت. به نظر ما بردن مال دیگری بعنوان نتیجه جرم

کلاهبرداری، ماهیتاً با نتیجه در سایر جرایم فرق می‌کند، زیرا بردن مال دیگری همیشه به‌صورت فعل مادی مستقل بروز می‌کند.

هرچند که بردن مال یعنی خارج شدن مال از تصرف صاحب مال و تحت سلطه کلاهبردار قرار گرفتن (آزمایش، بی‌تا: ۹۵) ممکن است توسط قربانی جرم صورت گیرد و یا حتی ممکن است توسط ثالثی به‌وقوع پیوندد، ولی به هر صورت از طریق یک فعل مادی انسانی مستقل انجام می‌شود.^۱ در حالیکه در سایر جرایم ساده نتیجه جرم در واقع حالتی است که بر فعل مرتکب عارض می‌شود و ناشی از آن است و بصورت مستقل، فعل مادی و انسانی نیست. فی‌المثل در جرم قتل که مانند کلاهبرداری جرمی مقید ولی از نوع ساده است، تحقق نتیجه جرم که همان سلب حیات انسان زنده است، وضعیتی است که بر فعل قاتل عارض شده که آن فعل می‌تواند به هر شکل و صورتی انجام گیرد. بدین نحو که وقتی کسی با ضربه چاقو دیگری را قتل می‌رساند فعل مرتکب به‌صورت ایراد ضربه با چاقو است و با انجام این فعل، کار مرتکب تمام می‌شود یعنی فعل لازم برای تحقق نتیجه مورد نظر را انجام داده است و نتیجه جرم یعنی سلب حیات بر این فعل عارض می‌شود و قاتل برای سلب حیات لازم نیست کار دیگری انجام دهد. در حالیکه در کلاهبرداری فعل مرتکب که توسل به وسایل متقلبانه است برای تحقق نتیجه که بردن مال غیر است، کافی نیست. بلکه برای تحقق آن نتیجه مجرمانه، بایستی فعل مستقل و علیحده دیگری توسط مرتکب یا دیگری صورت گیرد که بردن مال دیگری است؛ یعنی در کلاهبرداری علاوه بر توسل به وسایل تقلبی باید مال هم برده شود و این قسمت اخیر با این که نتیجه جرم است، خود فعلی است مستقل از رفتار

۱. ضرورت وجود یک رفتار انسانی برای تحقق نتیجه، جرم کلاهبرداری را ظاهراً شبیه آن دسته از جرایمی می‌سازد که "جرم فلچر" از آنها به‌عنوان جرایم فعل مدار در مقابل جرایم نتیجه مدار یاد می‌کند (فلچر، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۵). با این حال باید توجه داشت که منظور نویسندگان از جرایم فعل مدار آن دسته از جرایمی است که تحقق نتیجه در آنها لزوماً با دخالت عامل انسانی صورت می‌گیرد و نتیجه ممکن نیست به صورت طبیعی در عالم خارج رخ دهد و لذا ایشان در ادامه چنین نتیجه می‌گیرند که در این جرایم نتیجه زیانبار، از رفتار انسانی جدا نبوده و ارتباط تنگاتنگی با آن دارد در حالی که در جرایم نتیجه مدار بین رفتاری نتیجه وقفه‌ای از لحاظ زمانی و مکانی حادث می‌گردد (همان: ۱۱۷-۱۱۶). با دقت در تقسیم‌بندی ایشان، مشخص می‌گردد که مبنای چنین تقسیمی، میزان وابستگی رفتار به نتیجه و تعیین فاصله یا عدم ایجاد فاصله با نتیجه به منظور تشخیص رابطه استناد میان نتیجه و فعل است همچنان که ایشان تقسیم بندی مذکور را به منظور احراز رابطه علیت ارائه داده‌اند (همان: ۱۱۶). حال آنکه فارغ از بحث فرعی اتصال یا عدم اتصال نتیجه به رفتار، منظور ما از ضرورت وجود یک رفتار انسانی مستقل برای تحقق کلاهبرداری، این است که عنصر نتیجه در کلاهبرداری بر خلاف اکثر جرایم، وضعیت یا حالتی نیست که بر رفتار مرتکب عارض گردد بلکه تحقق "بردن" به‌عنوان نتیجه در این جرم، خود به صورت فعلی مستقل از رفتار مرتکب که همان توسل به وسایل متقلبانه است بروز می‌کند یعنی با توسل به وسایل متقلبانه "بردن" تحقق نمی‌یابد بلکه بایستی علاوه بر رفتار، فعلی دیگر به طور علیحده صورت گیرد تا نتیجه در این جرم حادث گردد.

فیزیکی و نه حالت یا وضعیتی عارض بر رفتار فیزیکی. بنابراین در کلاهبرداری برخلاف جرایم ساده، نتیجه جرم به‌عنوان جزئی مستقل و علیحده از رفتار مرتکب بوده، که خود به‌صورت گونه‌ای از رفتار فیزیکی بروز می‌کند و هیچ کدام از رفتار فیزیکی و نتیجه، در جرم کلاهبرداری وابسته به دیگری نیست، یعنی تحقق هیچ کدام به‌معنای انجام دیگری نیست و شباهتشان در این است که ماهیت هر دو بصورت فعلی انسانی است که رفتار مجرمانه (توسل به وسایل متقلبانه) توسط مرتکب، ولی نتیجه جرم ممکن است (بردن مال دیگری) توسط هر شخصی صورت گیرد. لازم به ذکر است که هدف در این بحث بررسی رابطه انتساب عرفی بین رفتار و نتیجه نیست بلکه در پی بررسی ارتباط مادی بین مرتکب و نتیجه جرم می‌باشیم چرا که نتیجه جرم در کلاهبرداری در قالب فعل بروز می‌نماید و ارتکاب این فعل ممکن است توسط خود مرتکب یا دیگری صورت گیرد. صرف نظر اینکه در نهایت بر اساس رابطه انتساب عرفی بتوان آن را به مرتکب رفتار اولیه (توسل به وسایل متقلبانه) منتسب نمود. بنا به دلایل فوق باید توجه داشت که نمی‌توان "بردن" را در عنصر مادی کلاهبرداری جزء رفتار فیزیکی مرتکب به‌حساب آورد و با اینکه ماهیتاً با آن شبیه است ولی جایگاه آن در عنصر نتیجه می‌باشد. به عبارتی "بردن مال غیر" ماهیتاً نتیجه‌ای است علیحده در قالب ارتکاب فعل، و همین ویژگی، مطرح شدن آن را در عنصر نتیجه کلاهبرداری شایسته می‌دارد، نه در قسمت رفتار فیزیکی. بنابراین علاوه بر توسل به وسایل متقلبانه به‌عنوان یک فعل، بردن مال غیر به‌عنوان نتیجه نیز یک فعل جداگانه محسوب می‌شود. در نتیجه، کلاهبرداری مشتمل می‌شود بر دو نوع فعل متنوع، که همان ماهیت واقعی جرایم مرکب مقید است، یعنی جرایمی که وصف مجرمانه بر رفتار و نتیجه، هر دو تعلق می‌گیرد بگونه‌ای که نتیجه، خود به‌صورت فعلی مستقل از رفتار فیزیکی بروز می‌کند. بنابراین اگر تفکیکی که ما در جرایم ساده و مرکب قائل شدیم را بپذیریم، کلاهبرداری بر جرم مرکب انطباق دارد و به‌عنوان جرم مرکب مقید شناخته می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری:

باوجود اینکه کلاهبرداری مصداق بارز جرم مرکب است به‌گونه‌ای که گویی جرم مرکب و تفکیک آن از جرم ساده مبتنی بر وجود کلاهبرداری می‌باشد، با این حال در تطبیق کلاهبرداری بر جرم مرکب اشکالاتی وجود دارد که علت اصلی آن عدم تعریف دقیق و مشخص از جرم مرکب است، چه از طرفی جرم مرکب را جرمی می‌دانند که عنصر مادی آن از افعال متنوعی تشکیل شده باشد و از سویی دیگر با اینکه عنصر مادی کلاهبرداری از توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال دیگری تشکیل شده، ولی بردن مال دیگری در کلاهبرداری نتیجه جرم است. پس اگر قرار باشد بردن مال دیگری را به عنوان نتیجه، شرط مرکب بودن کلاهبرداری بدانیم، آنگاه چاره‌ای نیست که تمام

جرایم مقید را مرکب بدانیم که مسلماً این امر را منطق حقوق جزا نمی‌پذیرد. بر همین اساس، ابتدا بایستی جرم مرکب و ساده را بازشناسایی نموده و معیار تفکیک آنها را مشخص نمود تا آنگاه کلاهبرداری را مانند هر جرم دیگری بر هر کدام از آنها تطبیق داد. برای این کار بایستی هر کدام از جرایم ساده و مرکب را با توجه به مطلق یا مقید بودنشان تعریف کرد. بنابراین؛

۱- جرم ساده مطلق، جرمی است که وصف مجرمانه به یک رفتار خاص تعلق می‌گیرد، بدون توجه به نتیجه احتمالی ناشی از آن رفتار.

۲- جرم ساده مقید، جرمی است که وصف مجرمانه فقط به نتیجه حاصله مورد نظر مقنن تعلق می‌گیرد، صرف نظر از اینکه با چه فعل یا ترک فعلی صورت گیرد.

۳- جرم مرکب مطلق جرمی است که وصف مجرمانه به مجموعه رفتار مورد نظر مقنن تعلق می‌گیرد؛ یعنی وجود چند فعل برای تحقق آن جرم لازم و کافی است بدون نیاز به ترتب نتیجه خاصی.

۴- جرم مرکب مقید جرمی است که وصف مجرمانه به رفتار و نتیجه با هم تعلق می‌گیرد مانند کلاهبرداری.

نکته مهم اینکه ماهیت نتیجه در جرم کلاهبرداری با جرایم ساده تفاوت دارد، نتیجه در این جرم امری مادی و فعلی است و مستقل از رفتار فیزیکی، یعنی انجام نتیجه یا همان بردن مال دیگری در کلاهبرداری مستلزم وقوع فعلی مستقل از رفتار فیزیکی است، که این همان ماهیت جرایم مرکب مقید است. با این وجود، بردن مال دیگری نمی‌تواند در میان اجزای رکن مادی جزء رفتار فیزیکی محسوب شود، زیرا بردن مال دیگری گرچه در قالب فعل بروز می‌نماید ولی ماهیتاً نتیجه به‌شمار می‌رود و به همین دلیل شایسته است که به عنوان نتیجه کلاهبرداری مورد بررسی قرار گیرد نه به عنوان رفتار فیزیکی آن.

۵. منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آزمایش، علی (بی‌تا)، *تقریرات حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
۳. استفانی، گاستن - لواسور، ژرژ-بولوک، برنار (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۴. باهری، محمد (۱۳۸۱)، *تقریرات حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات رهام.

۵. حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۷۳)، **حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال**، تهران: انتشارات سمت.
۶. زراعت، عباس (۱۳۸۶)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
۷. سپهوند، امیرخان (بی تا)، **تقریرات حقوق جزای اختصاصی**، بی جا.
۸. صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. عوده، عبدالقادر (۱۴۱۳هـ-)، **التشريع الجنائي الاسلامي مقارناً بالقانون الوضعي؛ الجز الاول، الطبعة الثانية عشر**، بیروت: موسسه الرساله.
۱۰. فلچر، جرج. پی (۱۳۸۹)، **مفاهیم بنیادین حقوق کیفری**، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۱. قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت‌اله (۱۳۸۸)، **حقوق جزای عمومی (ارکان جرم)**، جلد دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. ——— (۱۳۸۴)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات مجد.
۱۴. لوترمی، لورنس؛ کلب، پاتریک (۱۳۸۷)، **بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه**، ترجمه محمود روح الامینی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲)، **دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۶. معتمد، محمدعلی (۱۳۵۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۴)، **حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران: انتشارات میزان.
۱۸. ——— (۱۳۸۵)، **حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران: انتشارات میزان.
۱۹. نوربها، رضا (۱۳۸۵)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۰. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۴)، **حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اموال و مالکیت**، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ب. خارجی:

1. Doig, Alan (2006), **Fraud**, London: William Publishing.
2. Elliott, Catherine & Quinn, Frances (2006), **Criminal law**, Sixth Edition, London: Longman.
3. Findlay, Mark (2001), **Problems for the criminal law**, London: Oxford University.
4. Gardner, Thomas. J & Anderson, Terry .M (2006), **Criminal law**, Ninth Edition, London: Wadsworth.
5. Herring, Jonathan (2002), **Criminal law**, Third Edition, London: Palgrave.